

حضور یافت و رهبری بخشی از حرکت سیاسی جامعه را به عهده گرفت.

سید محمد هادی حسینی میلانی در سال ۱۳۱۳ (ه. ق) در خاندان فقاقت و اجتهاد، در «میلان» از نواحی تبریز به دنیا آمد، جد اعلایش شریف سید علی اکبر با ۲۶ نسل به «علی اصغر» فرزند امام علی بن حسین می‌رسد که به درخواست مردم مؤمن «اسکوچای» و «میلان» و موافقت نقیب سادات حسینی مدینه به آنجا هجرت کرد.

مرحوم آیه الله میلانی، مقدمات را نزد شیخ ابراهیم همدانی و آخوند ملاحسن تبریزی خواند و مطول را از محضر آیت الله شیخ ابراهیم سالیانی و سید جعفر اردبیلی و میرزا علی ایروانی و شیخ ابوالقاسم مامقانی و شیخ غلامعلی سارابی، فرا گرفت و در دوره خارج فقه و اصول از محضر آیت الله شیخ الشریعة اصفهانی، آیت الله شیخ آقا ضیاء عراقی، آیت الله میرزا حسین نائینی، آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی بهره جست و به مقام رفیع اجتهاد نایل شد. فلسفه را از سید حسین بادکوبه‌ای و شیخ محمد حسین اصفهانی، کلام و مناظره و تفسیر را از آیت الله شیخ محمد جواد بلاغی و اخلاق را از سید میرزا علی قاضی و سید عبد الغفار مازندرانی و ریاضیات را از سید ابی القاسم خوانساری آموخت و در طول حیات علمی خود بیش از ۱۵۰۰ اجازه روایی از علمای برجسته دریافت کرد و با همکاری علامه طباطبائی، آیت الله سید صدرالدین جزایری و شیخ علی قمی طی ۸ سال و سائل الشیعه را تصحیح کرد.

آیت الله میلانی در سال ۱۳۵۹ (ه. ق) به سوریه و لبنان سفر کرد و در این سفر با آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین، آیت الله سید محسن امین، آیت الله شیخ حبیب آل ابراهیم، آیت الله میرزا حسن لواسانی و حجت الاسلام شیخ محمد تقی صادق در شهرهای صور، دمشق، بعلبک، غازیه و نبطیه ملاقات کرد و از اندوخته های علمی آنان بهره برد.

آیت الله میلانی فعالیت سیاسی خود را از دوران جوانی در عراق آغاز کرد. وی در جریان جنگ مردم مسلمان عراق علیه حضور انگلیس در این کشور که به رهبری مراجع دینی صورت گرفت، همراه میرزا مهدی فرزند آخوند خراسانی، شیخ جواد جواهری پسر صاحب جواهر، آیت الله سید علی داماد و برخی دیگر از هم دوره های خود، در این رویداد بزرگ اجتماعی شرکت جست، و شیوه مبارزه با اجانب و پایداری در برابر جهانخواران را



## فقاقت و درایت

نگاهی به زندگی علمی - سیاسی فقیه اهل بیت

مرحوم آیت الله العظمی سید محمد شامی کولابی انسانی

خراسان این سرزمین علم و ادب، قرن‌هاست که از میمنت حضور امام علی بن موسی الرضا (ع) مهبط بزرگان علم، و محل سالکان الی الله و کتف مبارزان حق طلب بوده است، و بدون تردید یکی از بزرگترین فقهای جامع شرایط و مراجع دینی که در سده اخیر، خراسان افتخار میزبانی او را داشت، فقیه بلند آوازه اهل بیت، مرحوم آیت الله سید محمد هادی میلانی است که بجز فقه و اصول در حکمت الهی و عرفان اسلامی نیز صاحبان نظر بود، و در یکی از حساسترین مقاطع تاریخ سیاسی کشور در خراسان

در میدان عمل آموخت.

وی در سال ۱۳۳۲ هـ. ش که جهت زیارت قبر پاک امام هشتم (ع) به مشهد مشرف شده و در خانه مرحوم شیخ علی اکبر نوغانی (متوفی ۱۳۳۹ هـ. ش) اقامت گزیده بود، به درخواست مردم و برخی از علمای آن روز خراسان، از جمله مرحوم آیت الله شیخ مرتضی آشتیانی، حاج شیخ مجتبی قزوینی و خود مرحوم نوغانی، مقیم مشهد شد و از زمان اقامت تا آخرین سال حیات پربار خود، به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود و صدها چهره برجسته در محضر ایشان تلمذ کردند.

ورود آیت الله میلانی به مشهد همزمان بود با اوج گیری نهضت ملی نفت و مردم با همکاری روحانیت مبارز و پیشرو در این نهضت بزرگ شرکت جسته بودند. در این دوران کانون نشر حقایق اسلامی در مرکزیت فعالیتهای دینی و سیاسی شهر قرار داشت. کانون به همت استاد محمد تقی شریعتی پس از شهریور ۱۳۲۰ شکل گرفته و فعالیتهای دامنه دار فرهنگی خود را علیه مارکسیسم و قشرگرایی آغاز کرده بود. اعضا و مسئولین کانون به صرف اطلاع از اقامت آیت الله میلانی در مشهد به سراغ وی رفتند، و از ایشان درخواست حمایت معنوی کردند، و ایشان با رفت و آمد خود به این مرکز دینی اعتبار دیگری بخشید و فعالیتهای دینی سیاسی آن را مورد حمایت خود قرار داد، و به این ترتیب اهتمام خود را به مسائل جوانان و روشنفکران در عمل نشان داد.

حمایت آیت الله میلانی از کانون نشر حقایق اسلامی تا سال ۱۳۳۶ ادامه داشت، در این سال با دستگیری اعضای نهضت مقاومت که بیشتر از اعضای کانون بودند و اتصال آنها به زندان قزل قلعه، کانون تعطیل شد و از اوایل ۱۳۳۷ که استاد محمد تقی شریعتی از زندان بیرون آمد، به دستور آیت الله میلانی، مجلس تفسیر قرآن و نهج البلاغه و سخنرانی خود را در منزل ایشان دایر کرد و این امر تا سال ۱۳۳۹ ادامه یافت. از این سال با حمایت آیت الله میلانی و بهره گیری از فضای باز سیاسی، کانون دوباره گشایش یافت و فعالیتهای خود را در چهارباغ مشهد از سر گرفت.

در همین سال مدرسه منتظریه (حقانی) قم با حمایت مادی و معنوی آیت الله میلانی تأسیس شد و با ارتحال مرحوم آیت الله بروجردی ایشان مرجعیت عام یافت و بیش از پیش مورد توجه علما، سیاسیون و توده های مردم قرار گرفت.

سال ۱۳۴۲ آیت الله میلانی به درخواست شهید مرتضی مطهری، به استاد محمد تقی شریعتی توصیه کرد تا به تهران رفته و

یک دهه در حسینیه ارشاد سخنرانی کنند. و کمی جلوتر از آن در جریان تصویب لوایح شش گانه، پیامی به وسیله مهندس سالور به علم نخست وزیر وقت فرستاد و طی نامه دیگری لغو تصویبنامه را از ایشان خواست و خود با همکاری مرحوم شیخ هاشم قزوینی، مرحوم شیخ مجتبی قزوینی، آقا سید احمد مدرس، مرحوم آیت الله دامغانی، مرحوم آقا میرزا جواد تهرانی و برخی دیگر از چهره های برجسته روحانیت خراسان، مجمعی را به منظور مقاومت در برابر سیاستهای ضد دینی و ضد ملی رژیم پهلوی به وجود آورد.

آیت الله میلانی در سومین نامه خود در آبان ۱۳۴۱، به علم نوشت: «وظیفه خود می دانم با استمداد از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه برای سومین بار اعلام بدارم، تصویبنامه دولت شما در مورد انجمنهای ایالتی و ولایتی با عدم رعایت شرط اسلام در انتخاب شوندگان و تبدیل قسم به قرآن مجید به قسم به کتاب آسمانی، ملت مسلمان ایران و خاصه علمای اعلام را بی نهایت خشمگین ساخته است».

روز ششم بهمن ۴۱ بازار مشهد به دستور ایشان تعطیل شد و با صدور اعلامیه تند ۲۸ اسفند ۴۱، جنایات رژیم پهلوی را افشا کرد و نوروز ۴۲ را همراه با امام خمینی - ره - عزای عمومی اعلام کرد.

سپس از رویداد ۱۵ خرداد و دستگیری امام - ره - آیت الله میلانی تلاش کرد به تهران برود، ولی هواپیمای حامل ایشان را از بین راه باز گرداندند و در بیستم خرداد ۴۲ طی تلگرافی به امام خمینی که در زندان محبوس بودند، به نظریات سیاسی ایشان صحه گذاشت و اظهار کرد: «آنچه شما گفته اید، گفته همه روحانیون بلکه گفته اولیاء خدا و ائمه اطهار است»، و در چهاردهم تیر همان سال به منظور حمایت از قیام امام خمینی به تهران رفت و از نزدیک با همه چهره های دینی و سیاسی در ارتباط قرار گرفت و روز دوم مرداد اعلامیه ای را، به داد خواهی از علمای باز داشت شده و مردم مبارز، صادر کرد و نسبت به تبعید امام خمینی به دولت هشدار داد و انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی را تحریم کرد و با ارسال نامه ای اعتراض آمیز به سازمان ملل متحد، ماهیت هیئت حاکمه، تجاوزات و خفگان حاکم بر ایران را تشریح کرد و طی اعلامیه ۱۴ مهر همه را به اعتصاب عمومی فرا خواند.

رژیم پهلوی که از حضور بسیار فعال ایشان در تهران به وحشت افتاده بود، وی را در ۱۵ مهر ۱۳۴۲ تحت الحفظ به مشهد برگرداند.

